

آلات موسیقی قدیم ایران

و دیگر کشورهای خاورمیانه

از دکتر مهدی فروغ

۴

با آنچه شرح دادیم معلوم شد که کلمه ارغنون هم بسازهای اطلاق
میشده که مثل قانون و سنتور دارای سیم (ذوالاوتار) بوده و هم بسازهایی
که از تعداد زیادی لوله یا نای (مزامیر) میساختند و هوا را با وسائل
مکانیکی بداخل این لوله ها میدمیدند . اینک میخواهیم درباره شکلهای
مختلف نوع دوم این ساز بحث خود را ادامه دهیم .

گفتیم که مرحله دوم اختراع ارغنون ابتکار وسائل و وسائلی است
برای ذخیره کردن هوا و دمیدن آن در لوله ها برای ایجاد صوت . همچنین
اشاره کردیم که دستگاه ذخیره هوا با خود شخص نوازنده بود که بتوسط
لوله ای که از یکطرف بانبانه و از طرف دیگر بدهان او منتهی میشد هوا را
در انبانه میدمید و یا با دست این کار را انجام میداد . ولی وسیله دیگری نیز
ابتکار شد که عبارت بود از دستگاه بخصوصی برای استفاده از جریان آب .
اختراع ساعت آبی و محتملا ارغنون آبی (ارغنونی که با استفاده از
جریان آب هوا در لوله ها دمیده میشده است) از روی شواهد و قرائن
یونانیها نسبت داده شده ولی معلوم نیست که آیا اختراع ارغنون بادی را

نیز باید بدان ملت منسوب ساخت یا اینکه مصریها و آسوریها و بابلیها و سایر ملل مشرق را که قرنهای پیش از یونان بمدارج عالی تمدن نائل شده بوده اند باید مخترع این ساز شناخت. دلائلی در دست است حاکی از اینکه پیش از اینکه یونانیها از وجود ارغنون اطلاع حاصل کنند این ساز در نواحی بین النهرین و بابل معروف و متداول بوده است. اما از طرف دیگر علمای علم زبان شناسی در زبان آسوری و بابلی تا کنون کلمه ای که بچنین ساز یا نظائر آن اطلاق شود نیافته اند و این البته از جمله علائم و نشانه هائیکه در بسیاری از موارد برای تعیین هویت و اصل و نسب سازها بکار میرود. چنانکه کلمه رباب و کمانچه که هر دو فارسی است در سر تا سر دنیای عرب تا مراکش و الجزایر رایج و مصطلح میباشد. کلمه اول بتوسط اعراب و دومی بتوسط ترکهای عثمانی بنواحی مغرب برده شده است. ما بعداً راجع باین ساز مفصلاً صحبت خواهیم کرد.

یکی از دانشمندان اواسط سده هفدهم میلادی بنام کرچر (Kercher) مینویسد که باغلب احتمال کلمه عبری (عبری قدیم) مسروکیثا (Masrokitha) که در تورات در کتاب دانیال باب سوم آیه پنجم و هفتم و دهم و پانزدهم ذکر شده همان ارغنون بادی است. این کلمه در ترجمه تورات بزبان فرانسوا که بوت (Saqueboute) و با انگلیسی «Sackbut» ضبط شده است و در قرون وسطی بنوعی ترومبون اطلاق میگرددیده است. ولی بعضی دیگر از محققان عقیده دارند که این کلمه ترجمه و یا تحریف نادرستی است از کلمه آرامی سابخا (Sabbekhâ) ۱

بهر حال کرچر میگوید مسروکیثا جعبه ای بوده که در بالای آن هشت لوله بقطر و درازی مختلف قرار داشته است و در داخل جعبه انبانه ای بوده

۱ - در تورات فارسی که از اصل عبری و کلدانی و یونانی ترجمه شده نام سازهایی که در کتاب دانیال - باب سوم - آیه پنجم و هفتم و دهم و پانزدهم مذکور است با کلمات قرینه آن در تورات فرانسه و انگلیسی کاملاً تطبیق نمیکند. در تورات فرانسه اسمی این سازها بترتیب اینست: Saqueboute, Harpe, Clairon, Cor. Symphonie و Psalterion و در تورات انگلیسی بترتیب عبارتست از: Dulcimer و Psaltery, Sackbut, Harp, Flute, Cornet ولی در تورات فارسی نام سازها را بترتیب: کرنا، سرنا، عود، بربط، سنتور، و کمانچه ترجمه کرده اند که کاملاً صحیح نیست.

که هوا را با دهان بداخل آن میدمیدند و در روی لوله ها قطعات لغزنده ای تعبیه کرده بودند که آنها را با انگشتان در امتداد لوله ها بیالای و پائین میبردند و با این تمهید لوله ها را میبستند و باز می کردند و صدای مورد نیاز از آنها بوجود می آمد .

تقریباً عموم علمای سازشناس اظهارات کرچرا بر تصور و خیال حمل کرده اند ولی چندی قبل در ناحیه سیلیسی واقع در سواحل جنوب شرقی ترکیه ضمن کاوشهایی که بعمل آمد سازی بهمین شرح و تفصیل یافت شد که علمای باستان شناس تاریخ ساختمان آنرا ۲۰۰ سال قبل از میلاد تشخیص دادند . این ساز عبارتست از یک رشته لوله که بجمعی از منتهی میشود و در قسمت

میانه آن منفذی است که ظاهر آن از آنجا در آن میدمیدند . علمای سازشناس و باستان شناس عموماً این ساز را نوعی ارغنون بادی میدانند .

نمونه دیگری از این ساز ضمن حفاریهای شهر تارسوس (Tarsus) که در نزدیکی شهر سابق الذکر یعنی در سواحل جنوب شرقی ترکیه واقع است یافت شده که فعلاً در موزه لوور فرانسه است . این دو ساز از هر لحاظ با هم شبیه هستند با این تفاوت که دومی دارای پانزده نای میباشد .

در خرابه های شهر قدیمی الختین واقع در ترکستان چین نیز سازی شبیه ارغنون یافت شده است .

در کتاب تلموذ که محتوی احادیث و اخباری است درباره مبانی و اصول مذهب یهود سازی بنام مقرفه ذکر شده که بعضی از علمای سازشناس آنرا نوعی ازارغنون بادی میدانند .

صدای این ساز بروایت تلموذ بسیار



ارغنون چینی (ارتفاع ۴۸ سانتیمتر)

رسا و قوی بوده بطوریکه وقتی آنرا در بیت المقدس مینواختند هیچکس نمیتوانست بادوست نزدیک خود حرف بزند یا صدای او را بشنود. این ساز را در مواقع بخصوصی مینواختند از جمله هر وقت یکی از پیشوایان مذهبی بکنیسه داخل میشده آنرا مینواختند تا بصدای آن پیشوای کنیسه برای استقبال او خود را آماده سازد. این کار در حقیقت برای تجلیل و تکریم پیشوای تازه وارد صورت میگرفت و با احتمال قوی با سنت جاری در زورخانه های ما که هر وقت پیش کسوتی بزورخانه وارد میشود مرشد با صدای زنگ ورود او را گرامی میشمارد بی ارتباط نباشد.

بهر حال بعضی از علما گفته اند که یکی از انواع این ساز دارای ده لوله بوده و هر لوله ده سوراخ داشته که از هر یک از آنها صدائی تولید و بر روی هم یکصد صدای مختلف از آن شنیده میشده است. اعراب این نوع ساز را « ارغنون الجامع » مینامیدند.

با وجود اینکه اطلاعات ما راجع بشکل و محل اختراع ارغنون بادی نامسلم و عموم عقائدی که راجع بآن ذکر شده مقرون با احتمال و قیاس میباشد آنچه مسلم میتوان گفت اینست که نام ارغنون آبی که مبدأ پیدایش آن، با تحقیقاتی که تا کنون بعمل آمده ناحیه آسیای صغیر شناخته شده و در کتابهای عبری مکرر ذکر شده است. نکته دیگری که از آثار عبری میتوان استنتاج کرد اینست که ارغنون آبی بیشتر در محافل و مجالس خوشی و سرور و عیاشی ملت یهود معمول بوده در حالیکه ارغنون بادی ساز کنیسه محسوب میشده و فقط برای اجرای مراسم مذهبی بکار میرفته است و با احتمال قوی بعد از خراب شدن معبد بزرگ بیت المقدس این ساز نیز از بین رفته و بکلی فراموش شده و نام آن از سر زبانها افتاده است.

قدیمیترین اشاره ای که در زبان عربی بارغنون شده در داستانیه است که ابوالفرج اصفهانی در کتاب الاغانی ذکر میکند. داستان مزبور اینست که روزی اسمعیل بن الهادی بر خلیفه مأمون وارد شد و در آنجا نوای موسیقی (غناء) شنید و حواسش مختل گردید. مأمون پرسید ترا چه میشود؟ وی پاسخ داد که نوای ارغنون (ارغن الرومی) است که مرا اینقسم سرمست کرده و اختیار از کفم ربوده است.

مسعودی مورخ بزرگ عرب نیز در کتاب مروج الذهب راجع بالآلات موسیقی روم (ترکیه) صحبت میکند و در آن از ارغنون نیز نام میبرد. آنچه

مسعودی میگوید از ابن خردادبه نقل قول میکند . و این ابن خردادبه که در موسیقی تبجر تام داشته در او خرسده دوم هجری میزیسته و نامش ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن خردادبه و اصلاً ایرانی بوده است . پدر بزرگش یکی از مغ های بزرگ و معروف زمان خود بوده که بدین اسلام گرائیده است . پدرش سالها حکمرانی تبرستان را داشت ولی عبیدالله در بغداد تعلیم و تربیت یافت و مخصوصاً در موسیقی نزد اسحق موصلی تلمذ کرد . مدتی در تاحیه الجبل (نواحی غربی ایران) از عمال دولت اسلامی بود و بالاخره از ندیمان و نزدیکان خلیفه المعتمد شد .

ابن خردادبه در حضور این خلیفه خطابه ای راجع بموسیقی بیان داشته و این همان خطابه است که المسعودی بآن اشاره میکند . از جمله کتابهایی که در موسیقی باو نسبت داده شده یکی کتابی است بنام کتاب ادب السماع و دیگری کتاب اللهو و الملهی که از اولی اثری نیست .

دیگر از علمای بزرگ قرون دوم هجری که اصل و نسب ایرانی دارد و در اصفهان میزیسته و راجع بآلات موسیقی چیز نوشته ابوعلی احمد بن عمر بن رسته اصفهانی میباشد که راجع باحوال او مناسفانه اطلاعات چندانی در دست نیست ولی در کتاب خود شرح جامعی راجع بطرز ساختمان ارغنون بیان میکند و میگوید:

« سپس سازی آوردند که آنرا ارغنا مینامیدند و عبارت بود از يك جعبه چوبی بشکل چرخشت (معصره) که روی آن را با پوست محکمی پوشانیده بودند . در این جعبه شصت لوله برنجی قرار داشت که سر آنها تا حدود میانه از جعبه بیرون بود . و آنها را مطلقاً کرده بودند و از حیث ارتفاع با یکدیگر اختلاف داشتند .

در يك سمت این جعبه چهار گوش سوراخهایی تعبیه شده بود که انبانه هائی (منفخ) بآنها متصل شده بود . این انبانه ها درست بانبانه های روی گران شباهت داشت . بعد سه شئی بشکل صلیب (صلیبان) آوردند که دوتای آنها را در دو طرف و یکی را در میان آن قرار دادند . و انبانه ها را با پا فشار میدهند و اوستاد (نوازنده) ایستاده آن ساز را مینوازد و هر طور که میل دارد لوله ها را بصدا در میآورد . »

محمد بن احمد خوارزمی هم در کتاب مفاتیح العلوم خود در قسمت مربوط بموسیقی مینویسد :

«ارغنون ساز یونانی و رومی است و مر کب است از سه کیسه بزرگی که با پوست گاو میش ساخته شده و بهم مربوط میباشند. روی کیسه وسطی پوست بزرگی قرار داده اند که روی آن لوله های برنجی گذاشته اند و این لوله ها دارای سوراخهایی به نسبت های معین میباشد که صدا های خوش بر حسب میل نوازنده از آن ایجاد میشود.»

همانطور که سابقاً اشاره شد اختراع ارغنون در این اواخر بیکنفر یونانی که مورستیس (Muristis) نامیده میشده نسبت داده شده است. نخستین کسی که راجع باین موضوع اظهار نظر می کند و از این شخص نام میبرد و او را مخترع یا لاقط مصنف کتابی درباره این ساز معرفی میکند الجاحظ میباشد.

الجاحظ (که چون چشمانی برآمده داشته است باین نام خوانده میشد) از ندیمان و مصاحبان ابن الزیات و وزیر الوائق خلیفه بوده است. ابن الندیم مؤلف کتاب الفهرست در اواسط قرن سوم هجری مینویسد: «از جمله آثار مورسطوس کتابی است راجع بآلات موسیقی از قبیل ارغنون البوقی و ارغنون الزمری که صدای آن تا شصت میل شنیده میشود.» در موزه بریتانیا در لندن دو رساله بنام این مورسطوس ضبط است که یکی تحت عنوان رساله لمورسطوس صنعت الارغین البوقی و دومی تحت عنوان رساله اخری لمورسطوس صنعت الاورغین الزمری میباشد.

ارغنون بادی که در این رساله راجع بآن بحث میشود با ارغنون رومی که نویسندگان دیگر شرح داده اند بکلی متفاوت است. در هیچیک از رسالاتی که ذکر شد راجع بنوع صداهایی که از لوله ها خارج میشده ذکر نشده است ولی با احتمال قوی همان فواصلی که در بربط معمول بوده در ارغنون هم بکار برده میشده است.

جای بسی تأسف است که الکندی نویسنده معروف عرب و همچنین فارابی هیچکدام راجع بارغنون چیزی ننوخته اند. تعجب در اینست که فارابی که قسمت اعظم پایان عمر خود را در سوریه و شامات یعنی جایی که ارغنون مسلماً در آنجا معروف و معمول بوده است گذرانیده هیچ اشاره و کنایه ای در کتاب الموسیقی الکبیر باین ساز نمیکند.

ابن سینا در کتاب شفا شرح مجملی راجع بارغنون بیان میکند که

مسعودی میگوید از ابن خردادبه نقل قول میکند . و این ابن خردادبه که در موسیقی تبهر نام داشته در اواخر سده دوم هجری میزیسته و نامش ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن خردادبه و اصلاً ایرانی بوده است . پدر بزرگش یکی از منغ های بزرگ و معروف زمان خود بوده که بدین اسلام گرائیده است . پدرش سالها حکمرانی تبرستان را داشت ولی عبیدالله در بغداد تعلیم و تربیت یافت و مخصوصاً در موسیقی نزد اسحق موصلی تلمذ کرد . مدتی در تاحیه الجبل (نواحی غربی ایران) از عمال دولت اسلامی بود و بالاخره از ندیمان و نزدیکان خلیفه المعتمد شد .

ابن خردادبه در حضور این خلیفه خطابه ای راجع بموسیقی بیان داشته و این همان خطابه است که المسعودی بآن اشاره میکند . از جمله کتابهایی که در موسیقی با او نسبت داده شده یکی کتابی است بنام کتاب ادب السماع و دیگری کتاب اللهو و الملهی که از اولی اثری نیست .

دیگر از علمای بزرگ قرون دوم هجری که اصل و نسب ایرانی دارد و در اصفهان میزیسته و راجع بآلات موسیقی چیز نوشته ابوعلی احمد بن عمر بن رسته اصفهانی میباشد که راجع باحوال او متأسفانه اطلاعات چندانی در دست نیست ولی در کتاب خود شرح جامعی راجع بطرز ساختمان ارغنون بیان میکند و میگوید:

« سپس سازی آوردند که آنرا ارغنا مینامیدند و عبارت بود از يك جعبه چوبی بشکل چرخشت (معصره) که روی آن را با پوست محکمی پوشانیده بودند . در این جعبه شصت لوله برنجی قرار داشت که سر آنها تا حدود میانه از جعبه بیرون بود . و آنها را مطلقاً کرده بودند و از حیث ارتفاع با یکدیگر اختلاف داشتند .

در يك سمت این جعبه چهار گوش سوراخهایی تعبیه شده بود که انبانه هائی (منفخ) بآنها متصل شده بود . این انبانه ها درست بانبانه های روی گران شباهت داشت . بعد سه شئی بشکل صلیب (صلبان) آوردند که دوتای آنها را در دو طرف و یکی را در میان آن قرار دادند . و انبانه ها را با فشار میدهند و اوستاد (نوازنده) ایستاده آن ساز را مینوازد و هر طور که میل دارد لوله ها را بصدا در میآورد . »

محمد بن احمد خوارزمی هم در کتاب مفاتیح العلوم خود در قسمت مربوط بموسیقی مینویسد :

«ارغنون ساز یونانی و رومی است و مر کب است از سه کیسه بزرگی که با پوست گاو میش ساخته شده و بهم مربوط میباشند. روی کیسه وسطی پوست بزرگی قرار داده اند که روی آن لوله های برنجی گذاشته اند و این لوله ها دارای سوراخهایی به نسبت های معین میباشد که صدا های خوش بر حسب میل نوازنده از آن ایجاد میشود.»

همانطور که سابقاً اشاره شد اختراع ارغنون در این اواخر بیکنفر یونانی که مورستیس (Muristis) نامیده میشده نسبت داده شده است. نخستین کسی که راجع باین موضوع اظهار نظر می کند و از این شخص نام میبرد و او را مخترع یا لاقل مصنف کتابی درباره این ساز معرفی میکند الجاحظ میباشد.

الجاحظ (که چون چشمانی بر آمده داشته است باین نام خوانده میشد) از ندیمان و مصاحبان ابن الزیات و زبیر الوائق خلیفه بوده است. ابن الندیم مؤلف کتاب الفهرست در اواسط قرن سوم هجری مینویسد: «از جمله آثار مورسطوس کتابی است راجع بآلات موسیقی از قبیل ارغنون البوقی و ارغنون الزمری که صدای آن تا شصت میل شنیده میشود.» در موزه بریتانیا در لندن دو رساله بنام ابن مورسطوس ضبط است که یکی تحت عنوان رساله لمورسطوس صنعت الارغین البوقی و دومی تحت عنوان رساله اخری لمورسطوس صنعت الارغین الزمری میباشد.

ارغنون بادی که در این رساله راجع بآن بحث میشود با ارغنون رومی که نویسندگان دیگر شرح داده اند بکلی متفاوت است. در هیچیک از رسالاتی که ذکر شد راجع بنوع صداهایی که از لوله ها خارج میشده ذکر نشده است ولی با احتمال قوی همان فواصلی که در بریط معمول بوده در ارغنون هم بکار برده میشده است.

جای بسی تأسف است که الکندی نویسنده معروف عرب و همچنین فارابی هیچکدام راجع بارغنون چیزی ننوشته اند. تعجب در اینست که فارابی که قسمت اعظم پایان عمر خود را در سوریه و شامات یعنی جایی که ارغنون مسلماً در آنجا معروف و معمول بوده است گذرانیده هیچ اشاره و کنایه ای در کتاب الموسیقی الکبیر باین ساز نمیکند.

ابن سینا در کتاب شفا شرح مجملی راجع بارغنون بیان میکند که

خلاصه آن اینست: «و بعضی اوقات سازهائی میسازند که هوا را در آن ها میدمند و این يك ساز مرکبی است شبیه ساز معروف رومی بنام ارغنون.»
ابن سینا در کتاب دیگر خود بنام رسائل فی الحکمة باز بطور مجمل مینویسد:
«از جمله امور مربوط به علم موسیقی اختراع سازهای عجیبی است مثل اورغن و سازهای شبیه آن.»

نکته ای که شایان توجه میباشد اینست که عموم این نویسندگان ارغنون را بضمیمه کلمه یونانی یا رومی ذکر میکنند. البته دلیل آن این نیست که این ساز فقط در نواحی آسیای صغیر و یونان متداول بوده بلکه علت دیگری داشته و آن اینست که نویسندگان قدیم بطور عموم نام هر سازی را باضافه نام محلی را که آن ساز منسوب بآن بوده توأمأ ضبط و ذکر می کرده اند از جمله عسود دمشقی (العود الجیلیقی) و چنگ عجمی (چنگ ایرانی) و نی تارتاری و قانون مصری را میتوان مثال زد.

در اوائل سده هفتم هجری که غارت گران مغول بنواحی ایران و عربستان حمله ور شدند و هلاک بغداد را متصرف شد و شهرهای بزرگ ایران را غارت کرد و منهدم ساخت از جمله غنائمی که از لحاظ فرهنگی نصیبش گردید یکی همین ساز ارغنون بود که بتوسط اتباعش ب مردم کشور چن معرفی شد. داستان مربوط باین موضوع توسط یکی از نویسندگان چینی نقل شده است. از این تاریخ ب بعد ارغنون در مشرق زمین منسوخ و بتدریج در کشورهای اروپا معمول گردید.

اینک در پایان این مقاله بی مناسبت نیست مختصری هم راجع با اهمیت این ساز در اروپا صحبت کنیم. یکی از خدمات بسیار مهمی که شوالیه های اروپا ب پیشرفت فرهنگ کرده اند حفظ و ترویج آلات موسیقی است. مسیحیها در اوائل پیدایش مذهب مسیح موسیقی را تحریم میکردند ولی در حوالی قرن دوازدهم میلادی بتدریج ارگهای معروف ببارگ بیزانس در کلیسای های اروپا راه یافت. بهر حال ترویج بیشتر آلات موسیقی را در سرتاسر خاک اروپا باید مدیون همت «تروبادورها» دانست. در جنگ های متفاوت صلیبی ارغنون با اروپا برده شد و مورد توجه واقع گردید.

تا قرن دهم میلادی ارگ يك ساز تجملی بود که فقط در کاخهای پادشاهان و فرمانروایان یافت میشد ولی از آن ب بعد خود کیشها مشغول ساختن ارگ شدند و آنها را در کلیسای های بزرگ بمنظور جلب کردن پیروان مذهب

مسیح بکار بردند. این نوع ارگها ابتداء خیلی ساده و کوتاه بود و لوله های آن عموماً از چهارده تجاوز نمی کرد و هوا بوسیله انبان بداخل لوله ها دمیده میشد. در دوره قرون وسطی تعداد لوله ها افزایش یافت و وسائل کاملتری برای باز بسته کردن سوراخ لوله ها تعبیه شد. در همین اواخر بود که کلیدهای بصورت پیاپی برای آن ساختند و چون لازم بود اهرمها و چوبهای سنگینی با فشار بروی کلیدها بجزکت در آید بعضی از این کلیدها را بقدری عریض می ساختند که بتوان با مشت روی آن فشار آورد. ارگهای قدیم دارای صدای بسیار قوی و رسا بود. در کلیسای وینچستر (Winchester) در انگلیس از ارگهای در قرن دهم میلادی وجود داشته که دارای چهار صد لوله و بیست کلید در دردیف بوده که آنها را با مشت مینواختند و صدای آن در تمام شهر شنیده میشد. دامنه صدای ارگ نیز بتدریج افزایش یافته و در قرن چهاردهم سه اوکتاو بوده است. در اوایل سده شانزدهم صداه کلیدها تقریباً بهمین صورتی که امروز هست درآمد و در نتیجه احتیاج به تغییر مایه (Modulation) ضمن نواختن يك قطعه ابتکاراتی برای ایجاد اصواتی بفاصله نیم پرده بعمل آمد. از آن تاریخ ببعده ساختن ارگ در سرتاسر خاک اروپا رایج شد و کارخانه های بدین منظور بوجود آمد که علاوه بر ساختن ارگهای بزرگ برای کلیساها ارگهای کوچک و قابل حمل نیز برای افراد می ساختند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی